

نقاشی و کودکان کم توان ذهنی



زهره میرباقری

کردن و بازی، بیشتر رغبت نشان می‌دهد. میل به نوشتن غریزه‌ی اکتشاف و دست‌کاری یا میل به ور رفتن با اشیاء از همان موقعی که در دستش چیزی قرار داشته و آن را چنگ می‌زند رشد حرکتی را در او بنیان می‌گذارد.

کودک گاهی با آب دهان خود علائمی بر روی زمین ایجاد می‌کند و گاه با به دست آوردن یک تکه ذغال یا مداد خطوطی را بر روی دیوار یا ورق کاغذ ثبت می‌کند. او با این کار می‌خواهد احساس هویت و موجودیت خود را به دیگران نشان دهد و بدین‌وسیله در محیط و پیرامون خود کاوش کرده و من کودکانه‌اش را مطرح سازد.

کودکان کم‌توان ذهنی افرادی از جامعه هستند که از لحاظ فعالیت‌های ذهنی نسبت به همسالان خود نارسایی داشته و در نتیجه به درجات مختلف از توانایی یادگیری، همسازی با محیط، بهره‌برداری از تجربیات، درک مفاهیم، قضاوت و استدلال صحیح محرومند و نارسایی فعالیت‌های ذهنی آنان از بدو تولد و یا مراحل اولیه‌ی کودکی وجود دارد. شاید از لحاظ بالینی بهترین روش تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی، در کودکان توجه به بازی و نقاشی باشد؛ زیرا تنها نمی‌توان از راه رفتن، نشستن و تکلم کردن، به رشد هوشی کودک پی برده چون بعضی مواقع حتی در کودکان تیزهوش نیز تأخیرهای رشدی وجود دارد. نقاشی کودکان عادی نشان‌دهنده‌ی خصایص ویژه‌ی آن‌هاست که با رشد هویتی، سن و تجربیاتشان مرتبط است و با نقاشی کودکان کم‌توان تفاوت فاحشی دارد. همان‌طور که گفته شد نقاشی از نظر بالینی ابزار مهم دیگری برای شناسایی رشد هوشی، عاطفی و حرکتی کودکان است.

نقاشی در شناخت قوه‌ی خلاقانه، مطالعه‌ی رفتار، بیان افکار و خواسته‌ها و تمایلات کودک اهمیت فراوان دارد. بسیاری از روش‌های درمانی ممکن است از طریق بررسی نقاشی کودک تجویز شود.

مضافاً این‌که رنگ‌آمیزی، نقاشی و سایر فعالیت‌های

تقریباً این مسلم شده است که تجلی هوش و استعداد در فرد تنها در هنگام بلوغ نیست بلکه نیمی از هوش و استعداد قبل از ۵ سالگی ظهور می‌یابد و لذا، بهترین زمان کشف و پرورش استعداد در آدمی دوران کودکی، خصوصاً در ۳ سالگی است. از این‌رو لازم است که برای کودک شرایطی آماده گردد که بتواند ابزار وجود نماید و آن‌چه را که در دل دارد آشکار سازد؛ و این ممکن نیست مگر این‌که کودک را با هنر آشنا کنیم.

هنر باید با روح لطیف و حساس کودک هماهنگی داشته باشد، احساسات پاک وی را تحریک کند، و او را به هیجان بیاورد و راهی برای بیان خواسته‌ها و آرزوهای او باشد و در نهایت حس ابتکار و خلاقیت را در او آشکار نماید. نقاشی وسیله‌ای است برای به‌کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌های کودکان و روشی برای درک این مطلب که کودک در چه مرحله‌ای از نظر تحولات ذهنی، عاطفی و زیبایی‌شناسی خود قرار دارد.

کودک، این موجود کوچک، با توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه‌ی خود در صدد دیدن، کشف کردن و تسلط در پیرامون خود است و در این راستا از کلیه‌ی اندام‌های حسی خود کمک می‌گیرد.

پاره‌ای از صاحب‌نظران بر این باورند که کودکان این عصر، از نظر برانگیختگی‌های حسی و باروری حواس پنجگانه و ابزار واکنش به محیط، فعال‌تر از کودکان گذشته‌اند. می‌توان گفت که در عصر ما پیشرفت علم و تکنولوژی و توجه و مراقبت والدین و خودمحرک‌ها، انگیزه‌ها و اشیای فراوان در اطراف کودکان از عوامل بسیار مهم در پیشرفت رشد هوشی عاطفی و جسمانی آن‌ها می‌باشد و همین امر می‌تواند دلیل تفاوت موردنظر میان کودکان امروز و دیروز باشد. هرچه برانگیختگی‌ها، محرک‌ها رغبت‌های محیطی کودک بیشتر گردد؛ کودک در مهارت‌های اساسی، زبان‌آموزی، نوشتن خط‌خطی

هنری به منزله‌ی بهترین ابزار جهت ابراز علائق و عواطف کودک است. از آن‌جا که پرورش فکری کودکان کم‌توان ذهنی به آرامی صورت می‌گیرد، نقاشی‌های آن‌ها نیز دارای موضوعات و خصوصیات عجولانه‌ای، خاص همین کودکان است.

تأخیر در رشد فرایندهای ادراکی، حافظه، شناخت و بصیرت در این کودکان نیز دلیل دیگری بر تفاوت با نقاشی‌های آنان با کودکان عادی است.

این کودکان به دلیل نقص، تثبیت و یا تأخیر در رشد هوش نمی‌توانند از تجربیات گذشته‌ی خود و یا مفاهیم و تصورات ذهنی خود استفاده نمایند و آن‌ها را در نقاشی‌هایشان به کار برند. همچنین به دلیل ضعف در توانایی‌های یادگیری، استدلال، سازگاری با محیط در فرایندهای مختلف ادراکی، شناختی، حافظه، تجسم فضایی و بصری آن‌ها اختلال وجود دارد به طوری که؛ اگر به تجربیات یک کودک کم‌توان ذهنی توجه کنیم و او را از لحاظ پارامترهای اساسی رشد عاطفی، هوشی، ذهنی، اجتماعی و رفتاری مورد مطالعه قرار دهیم می‌توانیم توانایی‌های ذهنی و تجربیات و یادگیری‌های مختلف وی را با کودکی که از حیث سنی از او کوچک‌تر است برابر بدانیم.

در نقاشی کودکان طبیعی (از نظر ذهنی) ما معمولاً به هماهنگی حس لامسه و حس بینایی، هماهنگی قدرت دید و تجسم فضایی، توانایی تطابق اشیا، در زمینه و نقش، تطابق موارد جزء با کل، اسکلت‌بندی و ترکیب‌بندی، هماهنگی نقاط و خطوط از جهت شکل‌سازی جنبه‌های پرسپکتیو (هندسی)، انگیزه‌های مختلف در آنان برای ثبت موارد بر کاغذ، ذهنیت‌گرایی، عینیت‌گرایی، برون‌فکنی‌های عاطفی، استفاده‌ی وسیع از رنگ‌ها، استفاده از تقلید و یادگیری و تجارب شفافیت‌سازی،

خیال‌پردازی، داستان‌سرایی، دیدانتزاعی.

توجه به محیط، ثبت و ضبط موقعیت‌ها و حوادث عاطفی و هیجانی آن‌ها برمی‌خوریم. این در حالی است که نقاشی کودکان کم‌توان ذهنی فاقد این ویژگی‌هاست.

ضعف اساسی این کودکان در ترسیم و عدم رغبت و علاقه‌ای که به ترسیم خطوط دارند توجه ما را به نقص هوشی آنان جلب می‌کند. معمولاً اکثر کودکان کم‌توان ذهنی از نقاشی کردن احساس عجز و ناتوانی نموده، رغبت و انگیزه‌ای برای ثبت مواردی که در محیط و اطرافشان است، ندارد. اشیاء و مواردی که در نقاشی آنان دیده می‌شود هم فاقد بعد و پرسپکتیو است و بیشتر چیزهایی که روی کاغذ رسم می‌کند به صورت دو بعدی و سطحی است. حتی گاهی اشیایی که کودک بر یک صفحه‌ی سفید نقاشی می‌کند قابل فهم نیست. زیرا به دلیل ضعف شناختی و ادراکی هنوز نمی‌تواند تصویر مشخصی از مثلاً درخت یا ماشین بکشد. در نتیجه با سرهم‌بندی کردن خطوطی نامشخص تصویر یک شی را فقط از دیدگاه خودش روی کاغذ می‌آورد.

کودک کم‌توان ذهنی فاقد کنجاوی‌های خلاقانه است. معمولاً این کودکان در کلاس نقاشی دچار احساس کسالت و افسردگی می‌شوند زیرا دارای شوق و انگیزه برای ترسیم اشیا و مناظر نیستند به همین دلیل مری هم نمی‌تواند روش تدریس ثابتی را در زمینه‌ی نقاشی به کار بندد که نتیجه‌بخش باشد.

محققان علوم تربیتی و روان‌شناسان همبستگی معنی‌داری را بین هوش و نقاشی پیدا نموده‌اند. آن‌ها نقاشی را نه تنها به‌عنوان یک استعداد، بلکه انعکاس فرایندهای هوشی مثبتی قلمداد می‌نمایند. به‌طور کلی کم‌توان ذهنی از رنگ‌آمیزی دقیق و تمرکز زیاد بسیار زود خسته می‌شوند و نمی‌توانند در این مورد پایداری از خود نشان دهند.

موضوع دیگری که در نقاشی آن‌ها مشهود است ترسیم وارونه‌ی اشکال است. در حقیقت این کودکان به دلیل اختلالات خاص یادگیری آسیب مغزی، فقدان درک



محققان علوم تربیتی و روان‌شناسان همبستگی
معنی‌داری را بین هوش و نقاشی پیدا نموده‌اند. آن‌ها
نقاشی را نه تنها به‌عنوان یک استعداد، بلکه انعکاس
فرایندهای هوشی مثبتی قلمداد می‌نمایند

صحيح از اشیا و عدم تشخیص زوایای هندسی و ابعاد
نمی‌توانند به گونه‌ای طبیعی طراحی کنند و در نتیجه
اشیا را به صورتی واژگون ترسیم می‌کنند.

سمبل‌ها، نمادها و اشیا در نقاشی آن‌ها حالت قالبی و
کلیشه‌ای دارد و هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری بین وسایل و
اشیایی که در نقاشی‌هایشان است وجود ندارد.

می‌دانیم که هر رنگی از لحاظ روانی معنی خاصی دارد
که ممکن است تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف و عوامل
جسمی روانی دارای مفاهیم مختلفی باشد. همه‌ی مردم
رنگ‌های گرم (زرد، قرمز، نارنجی) و رنگ‌های سرد (سبز،
آبی، بنفش) و تمایز آن‌ها از یکدیگر را می‌شناسند. رنگ‌های
گرم تحریک‌کننده و شادی‌آورند و مولد حرکت و فعالیت
هستند در حالی که رنگ‌های سرد، برعکس، موجد سکون

و آرامش، حالت‌های انفعالی؛ و
بعضاً تلقین‌کننده‌ی غم
و اندوه‌اند.

کودک عادی

هرچه رشد

می‌کند وزمینه‌ی

مساعده‌تری از نظر

ذهنی می‌یابد در

نقاشی، به تدریج رنگ‌ها

را با یکدیگر مخلوط می‌کند

تا رنگ مطلوب خود را به دست آورد. اما کودک

کم‌توان ذهنی معمولاً در نقاشی‌هایش

از رنگ تند استفاده می‌کند و

حتی دورنگ و کاملاً متضاد در

کنار هم می‌گذارد، بنابراین

عدم هماهنگی رنگ‌ها در

نقاشی‌هایش دیده می‌شود.

به این ترتیب

کودکان





سازگار در نقاشی‌هایشان از ۵ رنگ استفاده می‌کنند در حالی که کودکان گوشه‌گیر یا آن‌ها که ارتباط با دنیای خارج را دوست ندارند بیشتر از یک یا دو رنگ را به کار نمی‌برند.

بدین ترتیب با توجه به رنگی که در نقاشی‌های کودکان به کار رفته می‌توان تا اندازه‌ای به افکار و عواطف آن‌ها پی‌برد. یکی از راه‌های شناخت بیماری روانی کودکان و حتی بزرگسالان، آزمایش رنگ است؛ چون رنگ تا حدود زیادی بیانگر تعادل و میزان سلامتی شخص است.

بزرگسالان، البته به خاطر آگاهی‌هایی که از مفاهیم رنگ‌ها دارند، معمولاً با مخفی کردن تمایلات طبیعی خود، ضعف‌های روانی خویش را سرپوش می‌گذارند اما کودکان چون قادر نیست در این باره دروغ بگویند همین مسئله می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات او باشد. اهداف آموزش هنر به کودکان کم‌توان ذهنی بدین قرار است:

۱. تقویت اعتماد به نفس ۲. پیشرفت دادن مهارت‌های دست ۳. افزایش معلومات ۴. ایجاد لذت برای کودک این مهم نیست که حاصل کار کودک چقدر با آن چه ما انتظار داشته‌ایم شباهت داشته باشد، بلکه مهم آن است که او بتواند دست‌ساخته‌ی خود را به خانه ببرد و احساس غرور کند.

تشویق کودکان به انجام کارهای هنری

- کودکان را تشویق کنید؛ زیرا تشویق استعدادها را آن‌ها را شکوفا و قدرت ابتکارشان را تقویت می‌کند.
- سعی کنید کارهای همه‌ی کودکان را به نمایش بگذارید. فقط به کارهای کودکان توانمندتر اکتفا نکنید.
- عادت دهید بچه‌ها مستقل عمل کنند.

- هر کودکی را تشویق کنید تا درباره‌ی کارش صحبت کند.

- به کودک فرصت دهید تا در موقع فعالیت آسوده‌خاطر باشد.

- کودک را تشویق کنید تا از قدرت تخیلش کمک بگیرد.

روش‌های مختلف آموزش نقاشی

گفت‌وگو: روش گسترش دیدگاه

کودک با استفاده از بحث و گفت‌وگو روشی است که به‌وسیله‌ی آن توجه او را به محیط اطرافش جلب می‌کنیم تا بتواند خوب نگاه کند، ببیند، بفهمد و آن چه را یافته است به زبان ساده بیان کند.

انتخاب موضوع: او را در انتخاب موضوع آزاد می‌گذاریم.

روش فنی: کودک را با طرز استفاده از وسایل نقاشی آشنایی کنیم.

روش تکمیلی: کامل کردن تصویر به منظور توجه به اعضای متشکل یک پدیده و تصویر مثلاً کامل کردن تصویر یک خانه‌ی ناقص.

نمونه‌ی کار

نقاشی با انگشتان: استفاده از انگشتان دست و پا در نقاشی که کودک با فرو کردن در رنگ اثری بر کاغذ می‌گذارد.

نقاشی با خط و نقطه: با ترکیب دو عنصر خط و نقطه کودکان را با نقاشی آشنا می‌کنیم.

نقاشی ابتکاری: با کشیدن اشکال هندسی از کودک می‌خواهیم با ترکیب اشکال، تصویر جدیدی خلق کند.

نقاشی با مرکب سیاه: با قلم و مرکب اشکال و خطوط پهن و باریک طراحی کند. این فعالیت سبب مهارت کودک می‌شود.

نقاشی با نخ یا کاموا: با فرو کردن نخ در رنگ و کشیدن بر کاغذ یا عبور از لای کاغذ تا شده کارهای زیبایی خلق می‌شود.

نقاشی لکه: رنگ‌های مختلفی را بر روی کاغذ بریزد سپس کاغذ را تا کند و فشار دهد آن‌گاه آن را باز کند. شکل‌های خاصی به وجود می‌آید که او را با نشاط خواهد کرد.

نقاشی با فوتک: چند قطره از رنگ‌های مختلف را روی کاغذ بریزد سپس با فوتک (خودکار توخالی - نی نوشابه) روی آن‌ها را فوت کند.

نقاشی برجسته: شکل دلخواهی را با چسب مایع روی کاغذ می‌کشد و پس از خشک شدن روی آن را رنگ می‌کند.

نقاشی مسواک و تور سیمی: شکل مورد نظر

را روی مقوا نقاشی کرده و دور آن را قیچی کنید. حال، شکل را روی یک مقوای دیگر قرار دهید و تور سیمی را بالای آن قرار داده و با مسواک آغشته به رنگ روی سیم آهسته بکشید تا رنگ روی کاغذ پخش شود؛ سپس شکل را بردارید. جای تصویر سفید مانده و بقیه رنگ شده است.

نقاشی خراش: با خراش دادن رنگ موجود در صفحه (رنگ سیاه بر روی چند رنگ که در کاغذ کشیده‌اید، نیز رنگ‌های موجود در زیر رنگ مشکی نمایان شده که با وجود آوردن طرح‌های مختلف به هیجان می‌آیند.

چاپ لوازم: اشیاء کوچک و مختلف اطراف خود را به کودک دهید تا در رنگ فرو برد و بر کاغذ اثری بگذارد.

تأثیرات اجتماعی و روانی

اگرچه به نظر می‌رسد که انگیزه‌ی اصلی نقاشی از نفس فعالیت جدایی‌ناپذیر است، اما نباید تأثیرات اجتماعی خارجی بر آن را نیز از یاد ببریم. بدیهی است که بزرگسالان می‌توانند از طریق میزان مصالحی که در اختیار کودکان می‌گذارند بر مقدار نقاشی کودکان تأثیر بگذارند. بعضی از والدین ممکن است یاد دادن چگونگی کشیدن نقاشی‌های ساده به کودک خود و بیان داستان‌هایی درباره‌ی آن، فعالانه به تشویق او بپردازند. بی‌شک اغلب کودکان، به خصوص کودکان کم‌توان ذهنی، از این که به خاطر نقاشی‌های خود مورد تحسین قرار بگیرند خوش حال خواهند شد.

کودکان گاهی اوقات برای آن که تحسین شوند نقاشی می‌کنند؛ دست کم بعضی از نقاشی‌های کودکان کوشش آن‌ها به‌منظور ایجاد ارتباط است.

نقاشی و طراحی کودکان وسیله‌ی مناسبی برای شناخت شخصیت کودک به‌شمار می‌رود. چنانچه می‌توان به مشکلات عاطفی او پی برد، و نیازها، تمایلات و محدودیت‌های او را مشاهده کرد.

بررسی نقاشی‌های آزاد کودکان و مشاهده‌ی صحنه‌هایی که از اعضای خانواده‌ی خود، محیط زندگی و یا سایر موارد ترسیم نموده‌اند می‌تواند به تشخیص نحوه‌ی نگرش کودک نسبت به دیگران، گرایش او را به امور مختلف پی برد.

کودک فقط برای این نقاشی می‌کند که آن چه را در دل دارد بیان کند و همین که بیان کرد به همان سرعت عواطف و احساساتش دگرگون می‌شود. تصویری هم که

کشیده است برایش کهنه و ناشناس می‌شود. به همین دلیل اغلب کودکان خردسال نقاشی‌های خود را از یکدیگر بازنمی‌شناسند و برایشان بی‌تفاوت است که کدام را چه کسی کشیده است. ارزش نقاشی برای کودک فقط در کشیدن آن است، نه در تمام کردن یا زیبایی یا درستی آن!

جنبه‌ی درمانی نقاشی

در کودکان افسرده و نگران، رسم و نقاشی در مراحل اولیه‌ی درمان اهمیت زیادی دارد و می‌توان آن را تا آخر درمان نیز ادامه داد. ترسیمات اولیه ممکن است تکراری بوده و منظوری را بیان نکنند. ولی به‌تدریج که کودک در مصاحبه آرامش بیشتری پیدا می‌کند در ترسیمات خود مطالبی را بیان می‌کند و در حقیقت این یک روش برون‌فکنی است. کودک را باید تشویق کرد که راجع به چیزی که کشیده صحبت کند.

استفاده از نقاشی علاوه بر کمک در جنبه‌ی تشخیصی؛ وسیله‌ی مناسبی جهت تعدیل و معالجه‌ی بیماری به‌شمار می‌رود. مثلاً از موارد مؤثر در زمینه‌ی درمان، رنگ زدن با انگشت است که در سال‌های پیش دبستانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضمن دربرداشتن جنبه‌ی تفریحی و پرورشی از جمله پرورش نیروی تخیل می‌تواند از تأثیرات درمانی نیز برخوردار باشد.

بسیاری از روان‌شناسان برآنند که رنگ کردن با انگشت در معالجه‌ی کودکانی که از عدم تطبیق با محیط و اختلال روحی رنج می‌برند اثر مطلوب دارد.

کودکان از طریق بازآفرینی وضعیت دشوار در نقاشی خود می‌توانند به نوعی بر مشکلات خویش چیره شوند. کودک از رهگذر بازآفرینی وضعیت‌های دشوار در نقاشی‌های خود می‌تواند بر مسائل خود غلبه کند و به نوعی کنترل بر احساسات و عواطف خودش دست یابد. در واقع نقاشی بدین طریق اندیشیدن را تسهیل می‌کند.

منابع

روان‌شناسی هنر برای کودکان عادی و استثنایی. ترجمه / تألیف: حمیده مقدسی.
مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان. نویسنده: گلین وی توماس. مترجم: عباس مخبر
نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. مؤلف: علی میرزایی
کارهای دستی و هنری کودکان. لیلی انگلی / منوچهر سرکمان.

